

شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۴
وطني امروز | شماره ۴۴۲۷

ورزشی

گزارش

باحکم فیفا به خاطر شکایت منتظر محمد پنجره استقلال تازمستان ۱۴۰۵ بسته شد

افتضاح

روزهایی که بر باشگاه استقلال می گذرد، بیش از هر زمان دیگری به کلیوس شباهت دارد. تیمی که زمانی نماد اقتدار و غرور هواداران خود بود، حالا درگیر بحرانی عمیق است؛

بحرانی که نه تنها به نتایج داخل زمین مربوط می شود، بلکه گریبان باشگاه را در سطوح مدیریتی و حقوقی هم گرفته است. فیفا با صدور حکمی بی سابقه، استقلال را از رقابت در ۲ پنجره نقل و انتقالاتی آینده محروم کرده، حکمی که اگرچه ریشه در گذشته ای پر از اشتباهات مدیریتی دارد اما امروز هواداران را بیش از پیش در ناامیدی فروبرده است.

■ **ناکامی های بی دری در زمین**

فصل گذشته برای آبی پوشان چیزی کمتر از یک فاجعه نبود. حالا نیز در فصل تازه، شکست های بی دری در رقابت های آسیایی – برابر الوصل و سپس المحرق بحرین – و تساوی های پیاپی در لیگ برتر، بیش از پیش بر ناکامی ها دامن زده است. هوادارانی که انتظار بازگشت تیم شان به روزهای لوچ را داشتند، حالا به جای جشن پیروزی، شاهد ثبت نخستین برد یک نماینده بحرین در خاک ایران بودند اما این تنها ضربه آن شب نبوده، ساعاتی بعد خبری رسید که مانند پتکی سنگین بر سر باشگاه فرود آمد؛ رأی فیفا درباره پرونده یکی از بازیکنان سابق استقلال.

■ **بازکنی که هیچ وقت بازی نکرد**

ماجرای «منتظر محمد» نمونه ای از همان سونم مدیریت های عجیب فوتبال ایران است. بازکنی که در بحبوحه اختلافات مدیران وقت و کادر فنی اسبق به استقلال آمد، بدون اینکه فرصت حضور در ترکیب اصلی را پیدا کند، به صورت فرضی به تیم های دیگر رفت و در نهایت هم قراردادش فسخ شد. همپس قرارداد کوتاه مدت که در زمان مدیریت علی خلیف پور بسته شد، بعدتر برای استقلال هزینه ای میلیاردی به همراه آورد و حالا تبدیل به محرومیتی تاریخی شده است.

■ **چرخه باطل فسخ های یک طرفه**

یکی از ریشه های اصلی بحران کنونی، عادت مدیران استقلال در سال های اخیر به فسخ یک جانبه قرارداد بازیکنان خارجی است. نام هایی همچون امفوف، ارفال سیلوا، ریلکیچ، کوسفسکی، یاماگا و در نهایت منتظر محمد، همگی در این فهرست دیده می شوند. همین تکرار، تخلفات، کمیته انضباطی فیفا را واداشت تا سخت گیرانه ترین تصمیم ممکن را بگیرد: محرومیت قطعی باشگاه از ۲ پنجره متوالی نقل و انتقالاتی، بدون امکان باز شدن پنجره به پرداخت بدهی. به عبارت دیگر، استقلال حتی اگر تمام مطالبات را تسویه کند، باز هم باید این دوره محرومیت را پشت سر بگذارد.

■ **تلاش های بی ثمر برای فرجام خواهی**

مدیران کنونی باشگاه پس از شوک اولیه، به دنبال راهی برای کاهش تبعات این حکم برآمده اند. از یک سو تلاش می کنند با جلب رضایت منتظر محمد، پرونده را از مسیر دوستانه ببندند و از سوی دیگر در اندیشه ارائه لایحه ای به دادگاه عالی ورزش (CAS) هستند. با این حال، کارشناسان حقوقی فوتبال تأکید دارند با توجه به نقض مکرر قوانین، شانس تغییر حکم نزدیک به صفر است. در واقع تخلفات اثبات شده، دست استقلال را در هر گونه استیناف بسته است.

■ **پنجره بسته، نیمکت باز**

این حکم به معنای آن است که استقلال تا نیم فصل دوم لیگ آینده، هیچ بازیکن جدیدی را نمی تواند جذب کند. در حالی که باشگاه روی خریدهای زمستانی حساب ویژه ای باز کرده بود، حالا همه برنامه ها نقش بر آب شده است. تنها نکته مثبت برای مدیران این است که تغییر سرمربی همچنان امکان پذیر خواهد بود؛ هر چند بدون تقویت ترکیب، بعید است تغییر منوط به یک نیمکت معجزه ای برای آبی ها رقم بزند.

■ **پیامدهای روانی و اجتماعی**

بسته شدن پنجره نقل و انتقالاتی صرفاً یک مشکل فنی نیست، بلکه به لحاظ روانی نیز تأثیری ویرانگر دارد. هواداران استقلال آسان نیستند اما آنچه مسلم است، این است که در مواجهه با این خبر، بیش از پیش احساس بی اعتمادی به مدیریت باشگاه پیدا کرده اند. در شبکه های اجتماعی، خشم و ناامیدی هواداران موج می زند و بسیاری این محرومیت را نتیجه مستقیم سال ها مدیریت غیر حرفه ای می دانند.

■ **استقلال در ورزخ آینده**

پرسش اساسی این است: آینده استقلال چگونه خواهد بود؟ باشگاهی با میلیون ها هوادار، زیر بار بدهی های انباشته و محرومیت های سنگین، به کجا خواهد رفت؟ پاسخ این سؤال آسان نیست اما آنچه مسلم است، این است که استقلال برای راهی از این چرخه تکراری نیازمند یک اصلاح عمیق ساختاری است. بدون تغییر بنیادین در سیاست های مدیریتی، حتی پایان این محرومیت نیز آغاز بحران های تازه خواهد بود. حکم اخیر فیفا تنها یک تصمیم قضایی نیست؛ آینه ای است که سال ها سوءمدیریت، قراردادهای نادرست و تصمیمات عجولانه را منعکس می کند. استقلال حالا به نقطه ای رسیده که دیگر با پرداخت پول یا تغییرات سطحی نمی تواند از بحران بگریزد. این محرومیت شاید فرصتی باشد برای بازاندیشی جدی در ساختار باشگاه اما تا آن زمان، آبی ها باید روزهای تلخی را تحمل کنند.

خبر

حمایت کمیته بین المللی المپیک از طرح احیای فلسطین

رئیس کمیته بین‌المللی المپیک در دیدار با رئیس کمیته المپیک فلسطین بر حمایت از ورزشکاران این کشور در میادین ورزشی تأکید کرد. به گزارش فارس، کریستی کاونتری از هیاتی از کمیته ملی المپیک فلسطین به رهبری جبرئیل رجوب در لوزان استقبال و از «طرح احیای فلسطین» حمایت کرد. در این جلسه درباره تأثیرات جنگ غزه بر ورزش بحث و گفت‌وگو و اقدامات جدیدی برای حمایت از ورزشکاران تعیین شد. جلسه بین هر ۲ سازمان در حالی بر گزار شد که فلسطینی‌ها کسلی نسلی اسرائیل در غزه را تحمل می کنند و IOC به صراحت از آسیب‌پذیرترین افراد حمایت می کند. حملات رژیم صهیونیستی به غزه باعث شده است نهادهای متعددی برای اخراج اسرائیل از مسابقات جهانی، جنب‌اندازی کنند. در طول مذاکرات، کاونتری «نگرانی عمیق خود را از وضعیت فعلی» لبراز و همبستگی این سازمان را با همه کسانی که از جنگ آسیب دیده‌اند، تکرار کرد.

بار دیگر جهان ورزش شاهد تبعیض آشکار نهادهای بین‌المللی فوتبال، فیفا و یوفا، در برابر رژیم صهیونیستی بود. در حالی که طی ماه‌های اخیر بسیاری از کشورهای اروپایی و فدراسیون‌های ورزشی رسماً خواستار تعلیق و اخراج این رژیم از مسابقات بین‌المللی شدند، رؤسای فیفا و یوفا با همان استدلال مسخره قدیمی «بی‌طرفی» بار دیگر با سردی بر پیکر عدالت‌خواهان ریختند.

■ **سیاست «بی‌طرفی» یا جانبداری آشکار؟**

جانی اینفانتینو، رئیس فیفا، در سخنان اخیرش به صراحت اعلام کرد: این نهاد نمی‌خواهد وارد مسائل سیاسی شود و شعار همبستگی بی‌طرفی را تکرار کرد. کمی بعد، الکساندر چفرین، رئیس یوفا، حتی فراتر رفت و به رئیس فدراسیون فوتبال رژیم صهیونیستی تضمین داد هیچ خطری جایگاه این تیم را در مقاماتی جام‌جهانی ۲۰۲۶ تهدید نمی‌کند. این در حالی است که همین نهادهای پس از آغاز جنگ با وکراین، در کمتر از چند ماه روسیه را از تمام رقابت‌های رسمی و حتی دوستانه محروم کردند. چگونه است که همان فیفا و یوفا که در برابر روسیه چهره‌ای سیاسی و قاطع به خود گرفتند، امروز شعار بی‌طرفی سری می‌دهند؟

■ **فشار سیاسی و نقش میزبان جام جهانی**

نمی‌توان از تأثیر فشارهای سیاسی در این تصمیمات غافل شد. ایالات متحده به عنوان میزبان جام‌جهانی ۲۰۲۶ و بویژه دولت ترامپ، حامی اصلی اسرائیل است. طبیعی است که چنین حمایتی، دست بالا را در تعیین مسیر فیفا و یوفا داشته باشد. تجربه نشان داده این نهادهای نه‌تنها مستقل عمل نمی‌کنند، بلکه در نگاه‌های حساس کاملاً تابع منافع قدرت‌های بزرگند.

■ **تلاش‌های ناکام اروپا**

طی هفته‌های گذشته، شماری از کشورهای اروپایی و فدراسیون‌های ورزشی با تمام توان کوشیدند تا رژیم صهیونیستی را از حضور در رقابت‌های مقدماتی جام‌جهانی و حتی باشگاهی محروم کنند. این موج گسترده تا حدی امید آفرید که شاید فیفا

در روزهایی که موج در خواست‌ها برای محرومیت اسرائیل از رقابت‌های بین‌المللی شدت گرفته، رفتار نهادهای بزرگ فوتبال نشان داد زمین سبز، هر چند ادعای استقلال دارد، اما نمی‌تواند از سایه سیاست بر کنار بماند. الکساندر چفرین، رئیس اتحادیه فوتبال اروپا، در گفت‌وگویی خصوصی با مسئولان فدراسیون اسرائیل تأکید کرد هیچ برنامه‌ای برای کنار گذاشتن تیم‌های این رژیم وجود ندارد. او به صراحت گفت این موضوع نه در دستور جلسات یوفا مطرح بوده و نه در محافل تصمیم‌گیری فیفا. این موضع‌گیری درست در زمانی اعلام شد که برخی رسانه‌ها خبر از بررسی جدی تعلیق اسرائیل داده بودند. چفرین در عین حال اذعان کرد فشارهای سیاسی و اجتماعی برای این اقدام بالا گرفته اما فعلاً سیاست یوفا را «بی‌طرفی» دانست؛ موضعی که مقایسه‌اش با پرونده روسیه در سال ۲۰۲۲ پرسش‌های فراوانی ایجاد کرده است. از سوی دیگر، جیانی اینفانتینو، رئیس فیفا، در نشست اخیر شورای اجرایی این نهاد در زوریخ، همان خط را دنبال کرد. او با تکرار شعارهای کلی از لزوم صلح و همگرایی سخن گفت و مدعی شد فوتبال نمی‌تواند گره‌های ژئوپلیتیک را باز کند. اینفانتینو حتی تلاش کرد این پیام را به گونه‌ای منتقل کند که فیفا تنها وظیفه فرهنگی دارد و نه سیاسی اما همین بیانیه، حمایت منتظر محمد، پرونده را از خواست‌های فدراسیون‌هایی چون نروژ و ترکیه برای رأی‌گیری درباره

یوفا ناچار به عقب‌نشینی شوند. اما تصمیمات روزهای اخیر نشان داد این نهادهای گوش شنوایی برای عدالت و اخلاق ندارند و در نهایت همان مسیری را دنبال می‌کنند که قدرت‌های سیاسی به آنها دیکته می‌کنند.

■ **تناقضی که بر ملا شد**

رفتار فیفا و یوفا بیش از هر چیز یک تناقض آشکار را بر ملا می‌کند: وقتی پای روسیه در میان بود، سیاست و ورزش از هم جدا نبودند و محرومیت کامل اعمال نشد اما وقتی موضوع به اسرائیل می‌رسد، همان سیاستمداران شعار جدایی ورزش از

تناقض‌های یوفا و فیفا از روسیه تا رژیم صهیونیستی

سایه سیاست بر فوتبال

تعلیق اسرائیل بوده در خواستی که بار دیگر توسط فیفا رد شد.

■ **چهره پشت پرده تصمیمات**

منابع نزدیک به مذاکرات در اروپا گفته‌اند احتمال رأی به تعلیق اسرائیل در کمیته اجرایی یوفا چندان هم پایین نبوده است اما ورود مباحثی که به «طرح صلح» ترامپ و نتایجاو پیوند خورده، مسیر را تغییر داد. کشورهای قدرتمندی مانند آلمان همراه با اسرائیل به‌عنوان مخالفان جدی این اقدام ظاهر شدند و عملاً پرونده از دستور خارج شد.

این همسویی آشکار، تنها یک تصمیم ورزشی نیست،

چراکه ایالات متحده نیز به‌طور مستقیم اعلام کرده از جایگاه اسرائیل در فوتبال دفاع خواهد کرد. این موضع‌گیری

از آستانه جام‌جهانی ۲۰۲۶ – که آمریکا یکی از میزبانان

اصلی آن است- بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. نزدیکی

شخصی اینفانتینو با ترامپ نیز به تحلیلگران این گمان را شایع

که پیوندهای سیاسی در این تصمیمات بی‌اثر نبوده است.

■ **تفاوت آشکار با پرونده روسیه**

مقایسه وضعیت اسرائیل با روسیه، زوایای تازه‌ای از تناقض تصمیم‌گیران فوتبال را روشن می‌سازد. سال ۲۰۲۲، تنها چند هفته پس از حمله مسکو به اوکراین، فیفا و یوفا تصمیم گرفتند

استقلال مقابل المحرق بحرین هم حرفی برای گفتن نداشت

باخت‌های تکراری

عامل شکست و ناکامی تیم او باشد، بیشتر به این دلیل است که با وجود اینکه بازیکنان با نظر شخص وی خریداری شده‌اند اما او نمی‌داند چگونه از آنها بازی بگیرد. نازون، جنیو، حدادی و حتی آسانی در زمین مسابقه سر درگم هستند و تنها آسانی است که با حرکات انفرادی تغییراتی در سبک بازی استقلال می‌دهد. نکته عجیب آنکه سایدنتو علاقه بسیاری به جذب وینگر دارد و در تیم او به جای هافبک طرح، تا دل نان نخواهد وینگر وجود دارد اما با این همه وینگر حتی از سانترهای موفق و خطرناک عاجز است.

سایدنتو تا زمانی که تیمش گل دریافت نکند، تعویضی نمی‌کند و گره خوردن بازی برای او از زمان گل خوردن معنا پیدا

در صورت تغییر، یک ایرانی جانشین سرمربی پر تغالی خواهد شد

صندلی لژان سایدنتو در استقلال

اعضای هیات مدیره باشگاه استقلال پس از آمار ضعیف ریکاردو سایدنتو، روز پنجشنبه جلسه‌ای طولانی برگزار کردند. از یک طرف فاصله زمانی کوتاهی که تا بازی بعد تیم مقابل چارلمو بود و از طرف دیگر گزینه‌ای که همین فردا روی نیمکت بنشینند وجود نداشت، منجر به ادامه همکاری را بر مرد پر تغالی شد. در واقع در چنین شرایطی باشگاه باید دستیار ایرانی را به عنوان مربی موقت انتخاب می‌کرد که خسرو حیدری هر گز نمی‌تواند جانشین بر حقی باشد. این معامله نمی‌توانست نتیجه بهتری از قبل داشته باشد. بنابراین اعضای هیات مدیره تصمیم گرفتند فعلاً با سرمربی پر تغالی ادامه دهند. اگر سایدنتو سیزدهم همراه بازی هفته ششم لیگ را با برد پشت سر بگذارد، خودش را در تیم حفظ خواهد کرد، در غیر این صورت با توجه به تعطیلات فیفادی مدیران به فکر تغییر کادر فنی و انتخاب یک «گزینه ایرانی» خواهند بود.



حمایت تمام‌قد یوفا و فیفا از صهیونیست‌ها و بی‌توجهی به کمین اخراج آنها از جام جهانی

نیمه سیاه فوتبال

در برابر افکار عمومی جهانی عقب‌نشینی کنند.

■ **سخن پایانی**

فیفا و یوفا بار دیگر ثابت کردند شعارهای شان درباره عدالت،

انسانیت و بی‌طرفی چیزی جز پوششی برای جانبداری سیاسی نیست. آنها در قبال اسرائیل همان مسیری را رفتند که از پیش قابل پیش‌بینی بود: حمایت غیرمستقیم از راجبیت و سرپوش گذاشتن بر نقض اصول انسانی. اکنون تنها پرسش باقیمانده این است که آیا جامعه جهانی فوتبال اجازه خواهد داد این تبعیض آشکار ادامه یابد یا نه؟

می‌کنند و با وجود اعتراض‌های گسترده، همچنان در لیگ‌های داخلی اسرائیل بازی می‌کنند. این ۲ پرونده بسته شده و نه حتی جدول زمانی مشخصی برای بررسی جدی آنها اعلام شده است.

■ **پیامدهای پیش رو**

تیم ملی اسرائیل در روزهای آینده باید در چارچوب مقدماتی جام‌جهانی به مصاف نروژ و ایتالیا برود. همین امر بر حساسیت فضای موجود افزوده است. اگر فشارها در سطح افکار عمومی رسمی این ۲ نهاد صرفاً دعوت به صلح و گفت‌وگوست، همین تضاد، بار دیگر پرسش‌هایی درباره معیارهای دوگانه در ورزش جهانی برانگیخته است.

■ **نگاه فدراسیون‌های ملی**

در اروپا و فراتر از آن، چندین فدراسیون ملی بی‌برده موضع گرفتند. نروژ و ترکیه در خط مقدم این فشارها هستند و برخی دیگر از کشورها نیز در حال بررسی اقدام مشابه. گزارش‌ها نشان می‌دهد قدرت‌های بزرگ، چه در اروپا و چه در آمریکا، از فوتبال به‌عنوان ابزاری برای مدیریت روابط سیاسی استفاده می‌کنند.

یا «ورزش جدا از سیاست» تنها پوسته‌ای توخالی است. آنچه میدان‌های ورزشی را شکل می‌دهد، نه صرفاً توپ و چمن، که همان مناسبات پشت پرده قدرت و سیاست است؛ مناسباتی که در این روزها بیش از هر زمان دیگر بر سرنوشت تیم‌ها و ملت‌ها سایه انداخته است.

می‌کند. یعنی اگر تیم او دقیقه ۸۰ گل دریافت کند، تازه در آن زمان متوجه می‌شود. باید تغییری به بازی تیمش بدهد؛ هر چند تغییرات تکراری و بدون اینکه پشتش فکری باشد هم هیچ‌گاه جواب نداده است. از طرفی این تغییرات زمانی رخ می‌دهد که کافی است نیمی از زمان نیمه اول مسابقه سپری شود، چون شیوه بازی تیم او برای حریفان مشخص شده. بدون هدف و برنامه، بدون خلق موقعیت و تغییر تاکتیک.

بازیکنان این فصل استقلال هر کدام ستاره تیم‌شان در فصل گذشته بودند و چگونه هیچ یک نمی‌توانند در بهترین فرم خود حاضر شوند؟ اگر افاسی خوب نیست، آیا حدادی و نازون هم بازیکنان خوبی نبوده‌اند؟ زمانی که تمام بازیکنان در حد و اندازه یک ستاره ظاهر نمی‌شوند، دلایلش به نحوه تمرینات، رفتار و تفکر سرمربی برمی‌گردد.

حالا استقلال در ۱۷ دیدار ۱۲ گل دریافت کرده و سایدنتو تنها یک برد کسده است، آماری که او را به در خروجی نزدیک می‌کند. ۲ بازی و ۲ شکست در لیگ آسانی نمی‌تواند تعریف‌های سایدنتو در نشست خبری پس از بازی المحرق را توجیه کند. او خودش هم می‌داند تیمش نوید روزهای خوش را نمی‌دهد و تاکتیک و سبک او نمی‌تواند کمکی به استقلال کند که قصد داشت قصه تلخ فصل گذشته را به فراموشی بسپارد؛ داستانی که همچنان در این فصل هم ادامه دارد؛ آن هم با جذب ستارگان بسیار با هزینه فراوان!

بحرینی، به دلیل افشاهو فنز وی با چند ضربه زاویه‌دار براحتی فرو می‌ریزد، جز کافر فنی و بازیکنان استقلال! یا کافر فنی، تیم المحرق را آلتانیزر کند. یوفا با یک غیر ایرانی صورت، در نیل به پدیدهات مشکل دارد! یک بازی سراسر پکنواخت و خالی از برنامه‌ای برای کسب پیروزی یا حتی تساوی، ناتوانی در ارسال چند پاس بی در بی موثر، تفوق حریف در ایجاد فرصت‌های خطرناک، بر تری تیم بحرینی در بازپس‌گیری سریع توپ و عدم تغییر و ترفند برای اصلاح یا برهم زدن چنین شرایطی را باید متوجه چه کسی دانست؟ سکون یا کندی بازیکنان میانی و دفاعی استقلال در صحنه شکل‌گیری تک گل بحرینی‌ها با مشارکت فقط ۳ بازیکن حریف، تداوم حضور بی‌اثر نازون در میدان که ۶۵ دقیقه آرامش زمینی و هوایی مدافعان و سنگربان حریف را فراهم کرده بود، نمایش ضعیف جلالی که پس از ۳ سال هنوز در باد بازی با آمریکا خوابیده است، ناتوانی رضائیان در ارسال یک ساتر درست، حضور تکراری جنیو در بازی که فاقد هرگونه اثری است، خطرناک نبودن حمله و عجز خط هافبک از سنگین کردن کفه میانه میدان به سود آبی‌پوشان در بازی‌ای که استقلالی‌ها محکوم به برد بودند، حاصل تفکرات سایدنتویی است که هم آوردنش اشتباه بود و هم افزایش اشتباهی است بزرگ‌ترا در صدر مصران همه این اتفاقات فاجعه‌بار فنی و مدیریتی که ناشی از تصمیمات مدیرانی است که توسط هلدینگ در راس این باشگاه کار گرفته و به اتکالی پول آن باب میل خود جولان داده می‌دهند، منصوب‌کنندگان چنین مدیران ناکارآمدی هستند که گویا انتخاب‌های شان بازی به هر جهت بوده و هست!